

موضع ما درباره
انتخابات
مجلس شورای ملی

۷۹

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱- موقعیت نیروهای سیاسی - طبقاتی جامعه و شرایط برگزاری آن

انتخابات مجلس شورای ملی در پیش است و همه نیروهای سیاسی با اهداف متفاوت و گوناگون خویشتن را برای گام نهادن در این کارزار انتخاباتی آماده میکنند. تشکیل مجلس شورای ملی آخرین گام هیئت حاکمه در جهت "قانونی" کردن خویش و استقرار کامل رژیم جمهوری اسلامی است. بدین لحاظ هر یک از نیروها و جناحهای متفاوت درونی آن، آخرین تلاش خود را بکار گرفته اند تا موقعیت و مکان خود را در مجموعه قدرت سیاسی قانونی و رسمی آینده

تحکیم نماید و کرسیهای بیشتری در درون مجلس را
به نمایندگان خود اختصاص دهد.

انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن، تناسب
قوای سیاسی میان جناحهای درگیر در قدرت را بنحو
آشکاری دگرگون ساخت. جناحهای معینی در درون
روحانیت، که عمدتاً رهبری حزب جمهوری اسلامی را
بر عهده دارند، و در درون شورای انقلاب نیز صاحب
پایه و نفوذ فراوان بوده اند با جناحهایی که در طی
این مدت توانسته بودند بر کل روحانیت، با تمام
ناهمگونی و شکافهای درونیش، هژمونی داشته
باشند، بازنده اصلی این انتخابات بودند و شکست
فضاحت باری را متحمل شدند. با شکستی که پیروزی
بنی صدر در انتخابات و نتایج آراء انتخاباتی در
مورد حبیبی بر آنان وارد کرد. تمام تلاشهای رهبر -
ان این جناح برای آنکه نشان دهند که نسبت با این
شکست بی تفاوت بوده و خود را موظف میدانند که از
رئیس جمهور با اصطلاح منتخب مردم - بنی صدر -
پشتیبانی و حمایت میکنند، نتوانست خشم فروخته
آنان را از تحمل این شکست و ضربه‌ای که بر تمایلات
آزمندانه و قدرت طلبانه‌شان وارد آمده است،

پنهان سازد. این جناح اکنون میکوشد تا با تمام نیرو، شکست خود را در انتخابات ریاست جمهوری، با پیروزی هرچه بیشتری در انتخابات مجلس شورا، جبران نماید.

اما جناح‌های رقیب نیز ساکت ننشسته‌اند. بنی صدر که اکنون ریاکارانه چهره لیبرالی خویش را در پس پرده دروغین از دمکراتیسم پنهان کرده است، با اعوان و انصارش در صدد تشکیل یک "کنگره بزرگ وحدت" است. "کنگره وحدت" بنی صدر با تمام جلوه‌های فریبنده‌اش، چیزی نیست جز پلکانی برای صعود با زهم بیشتر به قله قدرت و بدست آوردن ابزارهای هرچه بیشتری از قدرت سیاسی. بنی صدر و یارانش سودای آن دارند که پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری را با پیروزی در بدست آوردن کرسیهای هر چه بیشتری در پارلمان، تکمیل نمایند. "کنگره وحدت" بنی صدر کنگره وحدت جناح معینی از بورژوازی و سرمایه‌داران لیبرال ب منظور نجات سرمایه و سیستم بیما رجا معه، کنگره جدب و جلب دمکراتهای ناپیگیر بسوی این جناح ب منظور تقویت پایه‌های اقتدار این جناح در قدرت سیاسی، کنگره

فراخواندن توده‌های ناآگاه هرچه وسیعتری، به‌زیر
پرچم فریبنده‌لیبرالیسم بورژوازی، وبالآخره
سکوی پرتاب این جناح بورژوازی به‌قله‌های رفیع-
تر قدرت سیاسی و قرارگرفتن در راس آن است. این
است معنا و مفهوم واقعی "کنگره وحدت" بنی صدر در
آستانه انتخابات مجلس شورای ملی، و نمیتواند
این اهداف واقعی را در پس کلمات و جمله‌بافیهای
فریبکارانه و اغواگرانه‌اش اندر ضرورت "حفظ
انقلاب" و "نجات دموکراسی" پنهان سازد، حتی اگر
بتواند مدتی نیز توده‌های ناآگاه و دموکرات‌های
ناپیگیر را بدنبال خویش روان سازد.

اما جناح‌های مختلف هیئت حاکمه، علی‌رغم
رقابت‌ها و درگیریهای درونی خود، در آستانه
انتخابات مجلس، زمانی که پای "مصلح" خودشان
بمیان می‌آید، و این "مصلح" از جانب نیروهای
راستین انقلابی بویژه کمونیستها، مورد مخاطره
قرار می‌گیرد، بروحدت خویش اصرار می‌ورزند و
مشترکاً، اقدامات مناسب و عاجلی را جهت مقابله با
این "خطرات" درپیش می‌گیرند. تجربه انتخابات
ریاست جمهوری، به‌کل هیئت حاکمه نشان داد که پای

نهادن نیروهای انقلابی و دمکرات به عرصه مبارزه انتخاباتی، تا چه میزان میتواند برای او خطرناک باشد. بیهوده نبود که بلافاصله به تصحیح "اشتباه" خود در مورد اجازت دادن به شرکت نیروهای انقلابی در انتخابات پرداخت. این تجربه را هیئت حاکمه در انتخابات مجلس بکار گرفت تا موانع هر چه بیشتری در برابر شرکت این نیروها در انتخابات بوجود آورد. منطقه‌ای کردن انتخابات، قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن نامزدها، و دو مرحله‌ای کردن آن و... مهمترین موانعی بود که هیئت حاکمه چون هفت خوان رستم در برابر نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست‌ها نهاد. لیکن موج وسیع مخالفتها و اعتراضات چهارجانب توده‌ها و نیروهای انقلابی و چهارجانب برخی نیروهای لیبرال خارج از صحنه قدرت سیاسی و فاقد پایگاه وسیع توده‌ای، هیئت حاکمه را وادار به عقب نشینی‌های محدودی کرد، بطوریکه مجبور شد قانون منطقه‌ای کردن انتخابات را ملغی نماید. اما قوانین دیگر را همچنان و علیرغم مخالفت‌های وسیع مردم، تاکنون کماکان حفظ نموده است. قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن و دو مرحله‌ای کردن آن یک شایه آشکار است، قانونی

است که به تنهایی میتواند از ورود نیروهای انقلابی
و رادیکال به درون مجلس جلوگیری نماید، نیروها -
ئی که در صورت لغو این قانون یقیناً میتوانند

چند بطور محدود به درون پارلمان نفوذ نمایند .
بهر صورت نفس این قوانین بخوبی میتواند
ماهیت ضد دمکراتیک صاحبان قدرت و وحشت آنها از
پایه گیری نیروهای انقلابی در صحنه مبارزه
انتخاباتی را نشان دهد . چنین قوانین سیاهی
بدون شک چهره هیئت حاکمه را بیش از پیش در مقابل
توده های مردم رسوا خواهد نمود . بنی صدر که عنوان
ریاست شورای انقلاب را نیز یدک میکشد نشان داد که
آنجا که منافع و مصالح عالیه کل قدرت سیاسی حاکم
در میان است ، از تصویب چنین قوانینی ابائی
ندارد . و با سکوت مزورانه خود در سطح جامعه ، نمی -
تواند چهره ضد دمکراتیک خود را در زیر قبای مندرس
دمکراسی خواهی پنهان سازد .

اکنون در آستانه چنین انتخاباتی و در حالیکه
نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی ، خود را وسیعاً برای یک
کارزار انتخاباتی آماده میکنند ، در حالیکه جناح حاکم
روحانیت میکوشد تا شکست پیشین را بنحوی جبران کند و
پایه های قدرت خویش را در قدرت سیاسی حفظ و تقویت

نماید، بنی صدر به نمایندگی جناح معینسی از
بورژوازی لیبرال، در صدد تحکیم پایه‌های اقتدار
حویش و قبضه کردن حتی المقدور تمام نهادهای اجرا-
ئی و شاخه‌های قدرت سیاسی است، و بالاخره بلوکهای
ارتجاعی متشکل از راست‌ترین جناحهای بورژوازی و زمین-
داران بزرگ و... به نمایندگی افراد و نیروهای
همچون بازرگان، مدنی، جبهه ملی و... در تلاش نفوذ
در پارلمان و بدست آوردن تعداد هر چه بیشتری کرسی
پارلمانی است،

نیروهای انقلابی و رادیکال و بویژه کمونیست‌ها چه
موضعی را بایدا اتخاذ کنند؟



۲- جنبه اصولی و تاکتیک مجاز بودن یا نبودن شرکت در پارلمان

پارلمان همچنانکه بارها گفته ایم، موسسه‌ای است بورژوازی. این نهاد سیاسی، از آنجا که تحت سیطره رژیم سرمایه‌داری قرار دارد و توسط نظام سرمایه‌تشکیل و کنترل میشود، رسالتی جز پاسداری از پایه‌های اساسی نظام موجود یعنی نظام سرمایه‌داری برای خود نمی‌شناسد. بورژوازی آزادی را در پارلمان آنجا بر رسمیت می‌شناسد که به مقدمات طبقاتی او احترام بگذارد و از چارچوبی که او برایش تعیین کرده است، پافرا تر ننهد. بورژوازی پارلمان را برای آن می‌خواهد تا به مردم اجازه دهد که اکثریت نمایندگان آن را از میان عناصری که وابستگی خود را پیشاپیش به حفظ نظام سرمایه‌اعلام کرده‌اند، انتخاب کنند. پارلمان نهادی است از ماشین دولتی بورژوازی. اما فریبنده‌ترین و در عین حال ریاکارانه‌ترین نهاد آن. پارلمان فریبنده‌ترین ابزار بورژوازی در اعمال حاکمیت طبقاتی خویش است. پارلمان تا ریسم بورژوازی احساس کاذب دمکراسی را در توده‌ها القاء می‌نماید، آنها را به

مسلخ سرمایه میکشاند و آنرا به بازگشت از مسیر انقلاب فرامی خواند. پارلمان در کلیت خویش فقط توانینی را به ثبوت میرساند که به حریم سرمایه تخاصم و زنماید. پارلمان در عین حال عرصه‌ای است از مبارزه که توسط بورژوازی گسترانده میشود. در این عرصه رقابت میان جناح‌های مختلف بورژوازی آزاد است، عقب‌نشینی کل بورژوازی در برابر فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و خواسته‌های مردم تا حدود معینی که مصالح عالی‌ه طبقه بورژوازی اجازه میدهد، آزاد است و متقابلاً پیشروی بورژوازی در اثر کاهش فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و بنبط تحکیم هر چه بیشتر و گسترده تر حاکمیت سرمایه از طریق تصویب قوانین مناسب نیز آزاد است!

آزادی در پارلمان تا این حد و برای بورژوازی مطلوب و مقدس است، فراتر از آن، حریم "آزادی" مطلوب بورژوازی شکسته میشود و این دیگر برای او نمیتواند قابل تحمل باشد.

غرض از ذکر کلیات فوق، روشن کردن این فرض‌اشبات شده است که کمونیستها به پارلمان و منجمله مجلس شورای ملی کنونی، جز بعنوان یکی

از نهادهای سیاسی بورژوازی نمی‌نگرد. آنها نه معتقدند که میتوان از طریق پارلمان قدرت سیاسی را بنفع طبقه کارگرو توده‌های زحمتکش به کف آورد و نه برای این باورند که از طریق پارلمان و تصویب قوانین می‌توانند تا شیرتعیین کنند های در بهبودی وضعیت طبقه کارگرو زحمتکشان جامعه بوجود آورند. این سخن بارها گفته شده است و بارها گفته ایم.

اما علیرغم اینها، همچنانکه با زهم بارها گفته شده است، کمونیستها شرکت در پارلمان بورژوازی را، به یکبار برای همیشه و بعنوان یک اصل نفی نمی‌کنند. تمام تجربیات پیشین جنبش انقلابی کارگری و کمونیستی بین المللی و تمام اصول تئوریک پذیرفته شده از جانب کمونیستها برچنین مسئله‌ای دلالت دارد.

کمونیستها به پارلمان بعنوان عرصه‌ای از مبارزه طبقاتی می‌نگرند، که در طی آن می‌بایست تمام ملاحظات موجود و مظاهر مختلف آنرا برای طبقه کارگرو توده‌هایی که به چنین موسساتی دل بسته‌اند افشا نمایند و به آنها نشان دهند که پارلمان سرابی بیش نیست و با یداز آن دل‌کنند و به انقلاب دل‌بست! کمونیستها نه در پی بدست آوردن کرسیهای پارلمانی

بلکه از پی کار آگاهگران در میان توده‌هایی که وسیعاً در مبارزه انتخاباتی شرکت می‌جویند، از پی نزدیک شدن به توده‌ها، از طریق یکی از ابزارهایی که بورژوازی در اختیار آنان قرار داده است، در انتخابات پارلمان شرکت می‌جویند.

اما صرف نظر از این اصل کلی تئوریک، که دیگر نیازی به توضیح بیشتر آن نیست و یک اصل اثبات شده و پذیرفته شده است، مجاز بودن کمونیست‌ها در عمل برای شرکت در پارلمان، بسته به شرایط مشخص و معینی است که در هر لحظه در آن جامعه حاکمیت دارد. بعبارت دیگر کمونیست‌ها در چنین مقاطعی، میبایست با ارزیابی مشخص سیاسی از جامعه به اتخاذ تکتیک صحیح نسبت به پارلمان مبارزت و رزند. عا مـ ل تعیین کنندگان این شرایط سطح مبارزه طبقاتی است که در جامعه جریان دارد. زمانیکه جامعه در حالت سکون و آرامش قرار داشته و توده‌ها ستمگری طبقات مسلط را تحمل می‌کنند، زمانیکه مبارزه طبقاتی هنوز مراحل اولیه خود را از سر می‌گذرانند و توده‌های وسیع را در برنگرفته است، زمانیکه اکثریت توده‌ها بضرورت انقلاب و دگرگونی بنیادین جامعه پی

نبرده اند، و یا زما نیکه توده ها بهر دلیل از نیروهای سیاسی حاکم نبریده و نسبت به آنها دچار توهم باشند کمونیست ها میبایست از پارلمان بمثابه یکی از عرصه های فرعی مبارزه طبقاتی برای پیشبرد اهداف انقلابیشان سودجویند.

بالعکس زما نیکه اعتلای انقلابی سراسر جامعه و اکثریت توده های تحت ستم را دربرگرفته باشد، زما نیکه توده ها در تجربه مبارزاتی خود، از رژیم حاکم دل کنده و امیدی به بهبودی وضع خود در چار - چوب حفظ این سیستم نمی یابند، زما نیکه اکثریت توده های تحت ستم، مبارزه طبقاتی را بطور وسیع و همه جانبه ای در عرصه های اصلی مبارزه به جریان می اندازند، و بالاخره زما نیکه رشد مبارزه طبقاتی نویدیک تحول انقلابی قریب الوقوع را می دهد، آری در چنین شرایطی شرکت در پارلمانهای بورژوازی به عقب کشاندن توده ها از انقلاب، جلوگیری از بسط واقعی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کشاندن توده ها به راه پارلمانتاریسم و جلوگیری از ابتکار انقلابی آنها در جهت نفی تمامی نظامات موجود در عرصه مبارزه است.

این است ملاک و میزان اصلی شرکت یا عدم شرکت

کمونئیستها در پارلمان های یورژوازی در هر لحظه ای
از حیات سیاسی جامعه .



۳- تاکتیک مامبنی بر شرکت در انتخابات و سیاست مبارزاتی مادر این عرصه مبارز طبقاتی

اکنون و در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی
بر پایه همین ملاک و معیار، معتقدیم که باید در این
انتخابات شرکت جست و مبارزه را در این عرصه نیز به
پیش برد .

شکی نیست که مبارزه طبقاتی در جامعه ما روبه
اعتلاست و هر روز نیز توده های بیشتری از کارگران و
سایر طبقات و اقشار خلقی را در مبارزه حاد طبقاتی
درگیر می نماید .

شکی نیست که بحران اقتصادی - اجتماعی

موجود بحران سیاسی را در "بالا" و بحران انقلابی را در "پائین" روز بروز بیشتر گسترش می دهد. اما این کافی نیست. آنچه که مهم است و ما را در اتخا ذ تا کتیک صحیح در این مورد یاری میرساند، سطح مبارزه طبقاتی در جامعه و درجه اعتلای انقلابی در میان توده ها است. این سطح از مبارزه و این درجه از اعتلای شرایط کنونی ایجاب میکند که چنین شرکتی را مجاز شمرد. هنوز توده ها به غیر پیشروان خود، در سطح وسیعی نسبت به قدرت سیاسی حاکم دچار توهم - اند. هنوز خواستها و مطالبات انقلابی را از این رژیم طلب می کنند و بر این باورند که قدرت مندان کنونی بتوانند به این خواستها و مطالبات پاسخ گویند. این واقعیت را حتی ساده لوحترین افراد نیز نمی توانند نفی کنند. هنوز تجربه تاریخی توده ها، در نفی قدرت سیاسی حاکم، بارور نشده است. این تجربه نه با اراده ما، بلکه در جریان تجربه تاریخی خود توده ها بارور میشود. توده ها را نمیتوان وادار به یک جهش غیر معقول از مراحل مختلف مبارزه طبقاتی نمود. آنها هنوز به راه حل های بورژوازی دل بسته اند و این دل بستگی ریشه عمیق در شرایط عینی و ذهنی

موجود در جا معه دارند. آنها باید در تجربه تاریخی خود به بطالت راه حل‌های بورژوازی و منجمله شیوه‌های پارلمانتا-ریستی مبارزه دست یا بند. "این تجربه تاریخی-مصنوعا ایجاد نمی‌شود" (لنین) بلکه در نتیجه تکامل تاریخی مبارزه طبقاتی حاصل می‌شود.

ذهنیت محض خواهد بود اگر بگوئیم در شرایط کنونی، توده‌ها از بورژوازی دل بریده‌اند و از موسسات بورژوازی از قبیل همین مجلس شورای ملی چشم برگرفته‌اند، آنهم زمانی که هیئت حاکمه توده‌ها - های میلیونی را به حمایت از خود به عرصه خیا بانها می‌کشاند، و بطور میلیونی بیای صندوقهای رای... در آخرین انتخابات (انتخابات ریاست جمهوری) بیش از ۱۴ میلیون نفر بیای صندوقهای رای رفتند! اینها واقعیات انکارناپذیری هستند. تحریم انتخابات مجلس در چنین شرایطی جهالت محض و چپ روی کودکانه است.

لنین می‌گوید :

" اگر ببینیم که نه تنها "میلیونها" بلکه صرفاً یک اقلیت نسبتاً قابل توجهی هم از کارگران صنعتی بدنیال کشیشان

کا تولیک می روند و از کارگران روستا
بدنبال ملاکین و کولاکها میروند، آنوقت
از اینجا بدون هیچگونه شکی چنین نتیجه
میشود که پارلمان تاريسم در آلمان هنوز
از لحاظ سیاسی کهنه نشده است و شرکت در
انتخابات پارلمانی و مبارزه از پیشت
تریون پارلمان برای حزب پرولتاریای
انقلابی همانا بمنظور تربیت قشرهای
عقب مانده طبقه خود و بیداری و تنویسر
افکار توده روستائی تکامل نیافته، تو-
سری خورده و نادان حتمی است".

(بیماری کودکی چپ روی)

لنین از یک "اقلیت" نا آگاه و دنیالسه رو
ورژوازی سخن می گوید: که وجود آن دلیلی کافی
رای شرکت در پارلمان بورژوازی است. در حالیکه
آن نه با یک اقلیت محدود بلکه با اکثریت توده
آگاه هی روبرو هستیم که علیرغم ناراضایتی از وضع
وجود به رژیم و پارلمان و تمام راه حلها و شیوه های
ورژوائی دل بسته اند. آیا کسی هست که چنین
قعیتی را انکار نماید؟

بر پایه ارزیابی از وضعیت سیاسی موجود است
که باید در انتخابات شرکت جست و ما خود نیز در این
انتخابات شرکت میکنیم .

ما به توده ها خواهیم گفت : بسیار خوب ! اکنون
که شما به پارلمان دل بسته اید ، اکنون که شما فکر
می کنید که می توانید با گسیل داشتن نمایندگان
به پارلمان آن را بیک ستاد مردمی و منطبق با
خواست ها و تمایلات خود بدل کنید ، اکنون که شما
می خواهید بهبودی واقعی وضع خود را از طریق
تصویب قوانین در پارلمان تحقق بخشید ، ... ما
بهمراه شما در این انتخابات شرکت می کنیم و به
عرصه مبارزه پارلمان ، در صورت امکان گام می -
نهیم . تا در تجربه خودتان به شما نشان دهیم که
تصور شما از پارلمان یک تصور باطل و کاذب است و
با زدن تجربه خودتان نشان دهیم که راه حل واقعی
بهبودی وضع زندگیتان نه پارلمان بلکه انقلاب
است . ما از شما فاصله نمی گیریم و در این مبارزه
همراه شما خواهیم بود . و تردیدی نداریم که در
جریان همین مبارزه به باورهای ما ایمان خواهید
آورد ."

شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید به وسیله‌ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی توده‌ها، رشد مبارزه طبقاتی و پیوندها هرچه فشرده‌تر با توده‌ها تبدیل ساخت. اما هیچگاه نباید از یاد برد که این عرصه مبارزه تنها یک عرصه فرعی است و صحنه اصلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هایی است که توده‌ها خود به‌ابتکار خویش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نقش ایفا می‌کنند، می‌گسترانند و مبارزه را به جریان می‌اندازند.

شرکت در انتخابات مجلس را باید به عرصه‌ای برای افشای نظامات موجود، محکوم ساختن ارتجاع و امپریالیسم و تمام نیروهای که به نحوی در حفظ و بقای سیستم موجود نقش داشته و در برابر رشد و تکامل انقلاب قرار گرفته‌اند، افشای خصلت ضد انقلابی بورژوازیبرالها در هر شکل و رنگی که دارند، افشای سیاست‌ها و برنام‌های خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی تبدیل ساخت.

شرکت در انتخابات مجلس شورا را همچنین باید به عرصه‌ای بدل ساخت که در طی آن هرچه بیشتر زمینه فشرده‌گی صفوف نیروهای چپ انقلابی و نزدیکی و

اتحاد عمل با نیروهای دموکرات و ضدامپریالیست
فراهم گردد .

شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و بنا
بر شرایط موجود مستقل خواهد بود. لیکن این
استقلال در شرکت به معنای آن نخواهد بود که ما نسبت
به دیگر نیروها و نامزدهای انتخاباتی آنها بی -
تفاوت بمانیم .

ما معتقدیم که نیروهای چپ انقلابی ، اکنون
که بهر دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده
است (*) ، حداقل میبایست برای تقویت این نیروها
در چارچوب صفوف نیروهای دموکرات و ضدامپریا -
لیست از یکسو و در برابر جبهه نیروهای ارتجاع و
امپریالیسم و هیئت حاکمه از سوی دیگر ، از کاندیدا -
های یکدیگر حمایت نمایند . و این اولین وظیفه
آنها در طول انتخابات است . نیروهای چپ ، صرف -
نظرا از اختلافات کما بیش عمیق میان خود ، پیش از

(*) - در حال حاضر کوشش ما برای این است که
در چهارچوب ضوابط مشخص با نیروهای کمونیست
- تا آنجا که امکان دارد - ائتلاف کنیم .

حمایت از نیروهای دموکرات و ضامپریالیست ، در برابر یکدیگر تعهد و وظیفه دارندومی بایست با حمایت از کاندیداهای خود به باروری این صفوف در عرصه این مبارزه معین یاری رسانند. طفره رفتن از این اصل ساده و اولیه به معنای زیر پا گذاشتن تعهدات کمونیستی و مخدوش کردن مرزها در عرصه مبارزه و بالاخره پراکندن صفوف نیروهای چپ انقلابی است. نمونه این موضعگیری نادرست را در مورد انتخابات مجلس خبرگان شاهد بودیم. در جریان این انتخابات رفقای فدائی از حمایت از کاندیداهای دیگر نیروهای م. ل. س. ر. زده و متقابلاً از کاندیداهای نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات پشتیبانی نمودند. اینکه این رفقا چه برخوردی با تجربه گذشته نموده اند، موضعگیری آنان در جریان همین انتخابات حاضر، قضیه را روشن خواهند نمود.

ما بسهم خود این را وظیفه خود می دانیم در رابطه با نیروهای دیگر در درجه اول از کاندیداهای نیروهای چپ انقلابی حمایت نمائیم و طبعاً مواضع هر یک از این نیروها در قبال کاندیداهای نیروهای دیگر در جریان انتخابات، تأثیری در این حمایت ما

باقی نمی گذارد. ما این حمایت را در رابطه با مصالح عمومی جنبش انقلابی و جنبش کمونیستی ضروری و لازم می دانیم. طبیعتاً این حمایت به معنای آن نیست که نمایندگان این نیروها دقیقاً مواضع سازمان ما را منعکس می سازند. ما با آگاهی به اختلافات موجود و با توجه به خصلت عمومی انقلابی برنامہ و سیاست آنها و قرار داشتن آنها در درون جنبش کمونیستی، معتقدیم که میتوان با حفظ موضع انتقادی به چنین حمایتی دست زد. صرف وجود چنین اختلافاتی، در صورتیکه یک نیرو را مجموعاً در درون جنبش کمونیستی ارزیابی نمائیم، نمیتوانند توجیهی برای عدم حمایت از کاندیداهای این نیرو ایجاد کنند. ما با حفظ موضع انتقادی خود نسبت به مواضع این نیرو و نیز مواضعی که کاندیداهای این نیرو در جریان انتخابات انتخاب خواهند کرد، چنین حمایتی را اصولی و ضروری می دانیم.

بجز نیروهای چپ، ما همچنین وظیفه خود می دانیم که به منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی، و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نمائیم. منظور ما در اینجا

بطور مشخص سازمان مجاهدین خلق است. این سازمان، از ابتدای قیام تا کنون سیاستهای انحرافی متعددی را در برابر هیئت حاکمه از یکسو و نیروهای چپ انقلابی از سوی دیگر اتخاذ کرده است. این سازمان در طی این مدت نتوانست مکان واقعی خود را در میان صفوف مختلف نیروها، در کنار نیروهای راستین انقلابی چپ دریا بد. سیاست این سازمان در موارد مهمی لیبرالی و دارای نوسانات و تزلزلات بسیار بوده است. این سازمان هنوز نتوانسته است با مرزبندی قاطع با نیروهای لیبرال و جناح‌های مرفه خرده‌بورژوازی، در کنار انقلابیون کمونیست قرار گیرد. و این سیاست بدون شک تاثيرات پراهمیتی در آرایش نیروها، به‌زیان جبهه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیستی و به سود نیروهای بورژوازی و لیبرال باقی می‌گذارد. لیکن علیرغم این سیاست‌ها و نیراشکالاتی که در برنامہ سیاسی این نیرو وجود دارد، ما معتقدیم که این سازمان یک نیروی دموکرات و ضدامپریالیست بوده و وظیفه خود می‌داند که به منظور تقویت صفوف این نیروها از کاندیداهای این سازمان بطور مشخص حمایت نماید. این حمایت از جانب ما بی قید و شرط نیست.

بلکه ما با آگاهی به اختلافات عمیق میان سیاست و برنامۀ خودبسیاست و برنامۀ این سازمان، ضمن حمایت از کاندیداهای این نیرو و وظیفه خود می‌دانیم که مواضع وی را چه در کلیت خویش و چه در عرصه انتخابات و یا موضعی که کاندیداهای این سازمان اتخاذ می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده و مرزهای میان خود و آنها را روشن نمائیم. سازمان مجاهدین همچنان که از شواهد برمی‌آید در طی این انتخابات نیز همچون گذشته، با محافظه‌کاری و با اتخاذ یک سیاست لیبرالی از نزدیکی به نیروهای چپ انقلابی دوری جسته و با زهم در کنار نیروهای لیبرال قرار گرفته است. چنین سیاستی بدیده‌ما سیاستی انحرافی و مخالف موازین دموکراتیک و ضدامپریالیستی است. لیکن چنین سیاستی، ما را از حمایت کردن از کاندیداهای این نیرو باز نمی‌دارد. ما در عرصه عمل نشان می‌دهیم و نشان خواهیم داد که اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی، تشکیل جبهه نیروهای دموکرات و ضدامپریالیست و تقویت صفوف این نیروها در برابر ارتجاع و امپریالیسم را، تنها در حد شعار و گفتار محدود نمی‌کنیم بلکه در کردار نیز بدان متعهد و

معتقدیم. و نیز نشان خواهیم داد که مصالح و منافع
والای جنبش انقلابی را تابع منافع تنگ گروهی و
محاسبات تنگ نظرانه خرده بورژوازی - آنچنان که
مرسوم است - قرار نخواهیم داد.

ما امیدواریم که نیروهای انقلابی و بویژه
کمونیستها بتوانند، صحنه انتخابات و در صورت
امکان پارلمان را به صحنه‌ای برای افزایش آگاهی
و تجربه انقلابی توده‌ها تبدیل کنند. و بتوانند تمام
ترفندها و حیل‌های بورژوازی در فریفتن توده‌ها و
دلگرم کردن آنها به راه‌حلهای خود برای حل بحران
اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، مبدل سازند.
فقط در چنین صورتی است که می‌توان امیدوار بود
که آنها توانسته‌اند از چنین ابزاری در جهت تحقق
اهداف انقلابی خود سود جویند.

